

رمز ملکوت

از ازل ساکن ملک فنا بودیم ما
گردر کاخ ابیض یادلکش بودیم ما
کشتی ای نَفَس رابی باد شرطه ای
در بحر حوادث ناخدا بودیم ما
کوه بر نداشت بار امانت، ما چرا؟
رمز ملکوت رانا آشنا بودیم ما
بی مهارت نزد خوبان خنیا گری
نغمه داودی را بزم آرا بودیم ما
مشاطه ناقابلیم در دکان فهم
با چند دست و پا، بی دست و پا بودیم ما
از رنج تجاوز به هردریا دل زدیم
حیله ای ملاحان را کی دانابودیم ما
شور اتحاد فروغ مارا کامیاب کرد
ور نه غولی را در استیلا بودیم ما
م . ش . فروغ

غول : اشاره به اتحاد شوروی سوسیالیستی قرن 20 است

مخمس بر (سایه اندوه)

اثر رهی

پیر چو گشتی میشوی بی ثبات
شطرنج بخت میخورد صدکشت و مات
برمزاجت راست ناید قند و نبات
هر چه کمتر شود فروغ حیات
رنج را جان گداز تر بینی
از دل منزوی چه داری امید
روزت سیاه و شامت گشته سفید
قامتت خم ولرزان چون شاخ بید
سوی مغرب چو رو کند خورشید
سایه هارا دراز تر بینی
م . ش . فروغ